

#### یادداشت

حسن بهشتی پور | کارشناس مسائل بین الملل

### تقلای ترامپ

### برای تخریب اتحاد مسکو و پکن

راهبرد کیسینجر در دهه ۷۰، ایجاد جدایی بین چین و شوروی بود اما راهبرد دولت ترامپ، ایجاد شکاف بین روسیه و چین است؛ یعنی یک حالت معکوس در جریان است. در آن زمان هدف، جداسازی روسیه از چین از شوروی بود اما امروز هدف، جداسازی روسیه از چین ارزیابی می‌شود. در آن زمان، آمریکا با سفر محرمانه نیکسون به پکن از طریق پاکستان و مذاکره با مانو، توافقی در سال ۱۹۷۲ به دست آورد که نتیجه‌اش دو اتفاق مهم بود: ۱. چین کمونیست جایگزین چین ملی (تایوان) به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت شد. ۲. سرمایه‌گذاری‌های آمریکایی در چین آزادشد. درواقع می‌توان گفت‌که هدف اصلی این بودکه چین را از شوروی جداکنندو حالا ترامپ هم تلاش می‌کند وابستگی روسیه به چین را کاهش دهد یا حتی روسیه را به سمت آمریکا جذب کند. امروزه، فقط جایگاه‌ها عوض شده؛ آن زمان شوروی و چین بودند، امروز روسیه و چین، استراتژی یکسان است؛ فقط بازیگران تغییر کرده‌اند. نخست باید تفاوت روابط آمریکا با شوروی و آمریکا با روسیه امروز را درک کرد. شوروی می‌خواست نظام سرمایه‌داری آمریکا را نابود و یک نظام سوسیالیستی جایگزین کند اما روسیه امروز به دنبال نابودی آمریکا نیست بلکه خواهان تعامل است، البته به عنوان یک شریک برابر. مشکل اینجاست که آمریکا حاضر به پذیرش این برابری نیست.

باید توجه کرد که شوروی و چین هرگز اتحاد کامل نداشتند، چون چین تحت رهبری مانو به سمت «کمونیسم ملی» فت و از سلطه مسکو فاصله گرفت. روسیه امروز نه تنها این تئولوژی گسترش گرانه‌ای مانند شوروی ندارد، بلکه تحت تحریم‌های شدید قرار دارد و خواهان لغو آنها از طریق تعامل با غرب است.

ترامپ معتقد است آمریکا باید برای رقابت با چین، ابتدا جنگ روسیه و اوکراین را پایان دهد، تحریم‌ها را کاهش دهد و با سرمایه‌گذاری در روسیه، وابستگی مسکو به پکن را کم کند؛ اما روسیه هم هوشمندانه عمل می‌کند؛ می‌خواهد ابتدا موقعیت خود در شرق اوکراین را تثبیت کند، چه از طریق الحاق به خاک روسیه یا ایجاد حکومت‌های خودمختار، این هدف باید محقق گردد. چالش‌های ترامپ در مسیر نزدیکی به پوتین، جلب موافقت اروپایی‌ها، متقاعد کردن اوکراین و مدیریت روسیه بدون ایجاد تنش جدید تلقی می‌شود. به نظر می‌رسد چین اساساً تمایلی به جلوگیری از توافق روسیه و آمریکا ندارد. در مواضع رسمی و عملکرد عملی‌شان، هیچ نشانه‌ای از مخالفت با پایان جنگ در اوکراین مشاهده نمی‌کنیم. چین هم با روسیه روابط بسیار نزدیکی دارد و هم با اوکراین مرادوات قابل توجهی داشته؛ هرچند سطح روابط با اوکراین به مراتب کمتر است. باید توجه داشت که روس‌ها به خوبی آگاهند که همکاری‌های استراتژیک‌شان با چین در چارچوب سازمان همکاری‌های شانگهای بسیار حیاتی است. حتی در مورد نفت، اگرچه اکنون با قیمت پایین به چین می‌فروشند، پس از پایان جنگ می‌توانند با قیمت جهانی بفروشند اما بعید است روابط‌شان با چین را به خاطر آمریکا تخریب کنند. در نهایت می‌توان گفت که اجرایی کردن این طرح ترامپ، نیازمند تلاش بسیار زیاد و عبور از موانع متعدد است؛ روسیه به‌سادگی حاضر نخواهد شد منافع بلندمدت خود با چین را فدای رابطه با آمریکا کند.

#### ذره بین

### لاوروف: ناتو بزرگ ترین دشمن خودش است

سرگی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه روز گذشته در نشست اجلاس دیپلماسی آنتالیا گفت: «ما درباره روابط دو جانبه و عادی سازی فعالیت هیات‌های دیپلماتیک بین روسیه و آمریکا صحبت کردیم. فعالیت سفارتخانه‌های دو کشور، صدور ویزا در چارچوب زمانی مشخص مورد بحث قرار گرفت.»

به نقل از خبرگزاری ریائووستی، وی افزود: «در این صورت دیپلمات‌های دو کشور برای دریافت روادید چندین سال معطل نمی‌مانند. ما خواهان این هستیم که پروژه‌های مشترک مورد بررسی قرار گیرند و در طرف دربار آنها صحبت کنند. این پیشنهادی از سوی آمریکایی‌ها بوده است. ما هرگز پیشنهادهای مربوط به همکاری را رد نمی‌کنیم.» لاوروف خاطرنشان کرد: «همواره پتانسیلی برای پیشبرد روابط بین دو کشور وجود دارد. آنچه بین ما و دولت دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا در جریان بوده، دو طرفه است. کشورها با یکدیگر صحبت می‌کنند، بدون این که به یکدیگر کاری را دیکته کنند، بدون این که هیچ پیش شرطی بخواهند، فقط با یکدیگر صحبت می‌کنند.»

#### خبر

ایهود اولمرت، نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی در یادداشتی نوشت: اسرائیل از داخل و از سوی خود مقامات تهدید می‌شود و خطر کشیده شدن به یک آشوب خونین، دیگر یک احتمال نیست، بلکه واقعیتی است که در افاق دیده می‌شود. وی در ابتدای این یادداشت که در روزنامه هآرتص منتشر شد، حادثه یورش نماینده کنست به دیوان عالی

### اولمرت:

### اسرائیل در آستانه جنگ داخلی است



سید رضا حسینی  
آروپا بین الملل

سه سال و یک ماه از آغاز جنگ در اوکراین می‌گذرد و همچنان چشم‌انداز پایان جنگ در استپ‌های اروپای شرقی در هاله‌ای از ابهام به سر می‌برد. ابتدا، ورود دونالد ترامپ به کاخ سفید در ژانویه ۲۰۲۵ و تمایل او برای خاتمه جنگ در قاره سبز، تکاپوهای دیپلماتیک قابل توجهی را میان واشنگتن و مسکو ایجاد کرد. رئیس جمهور آمریکا که تمایلی به صرف هزینه مادی و انسانی در اروپا ندارد؛ خواهان اجرای راهبرد «معکوس کیسینجر» در برابر روسیه است؛ به این معنی که همانند هنری کیسینجر، وزیر خارجه برجسته آمریکا در دهه ۱۹۷۰ به سمت ایجاد جدایی میان مسکو و پکن حرکت کند. برخودر نامناسب با ولودیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین در کاخ سفید همچنین فشار بر اروپا جهت افزایش هزینه‌های دفاعی توسط ترامپ را در چشم‌انداز تمرکز بر مهار نظامی و اقتصادی جمهوری خلق چین بررسی کرد. با توضیحات فوق، می‌توان درک کرد که گفتمان سودجویانه ترامپ، کمترین اهمیتی را به تمامیت ارضی اوکراین در برابر منافع مطلوب واشنگتن نخواهد داد. در همین راستا، ژنرال کیت کلگ فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور اوکراین، طی گفت‌وگویی که با روزنامه انگلیسی «تایمز» داشت، تصریح کرد که تقسیم احتمالی اوکراین به مانند برلین جنگ جهانی دوم میان قدرت‌های جهانی وجود دارد!

کلگ ادامه داد: «غرب اوکراین به نیروهای حافظ صلح مشترک انگلیسی – فرانسوی سپرده خواهد شد، شرق اوکراین نیز تحت کنترل ارتش روسیه باقی می‌ماند و منطقه میانی این کشور به قوای نظامی اوکراینی سپرده خواهد شد.» نکته حائز اهمیت طرح آمریکا این است که هیچ سرباز آمریکایی در اوکراین مستقر نخواهد شد. دولت کی‌یف درباره ادعای شبه تجزیه‌آمیز

در شرایطی که اغلب جنگ‌های امروزی صرفاً در میدان‌های نظامی رقم نمی‌خورند

بلکه همزمان در جبهه‌های رسانه‌ای و اطلاعاتی نیز به‌پیش می‌روند، جامعه یمن با اتخاذ رویکردی ابتکاری و بومی، در مقابل پروژه‌های پیچیده نفوذ و جاسوسی رژیم صهیونیستی ایستادگی کرده است. «پویش نمی‌دانم» که از سوی نیروهای انصارالله طراحی و به‌سرعت در سطح جامعه یمنی فراگیر شد، نه تنها یک اقدام دفاعی ساده نیست، بلکه مصداق باز هوشمندی در نبرد نرم و شناختی در عصر جنگ‌های ترکیبی است.

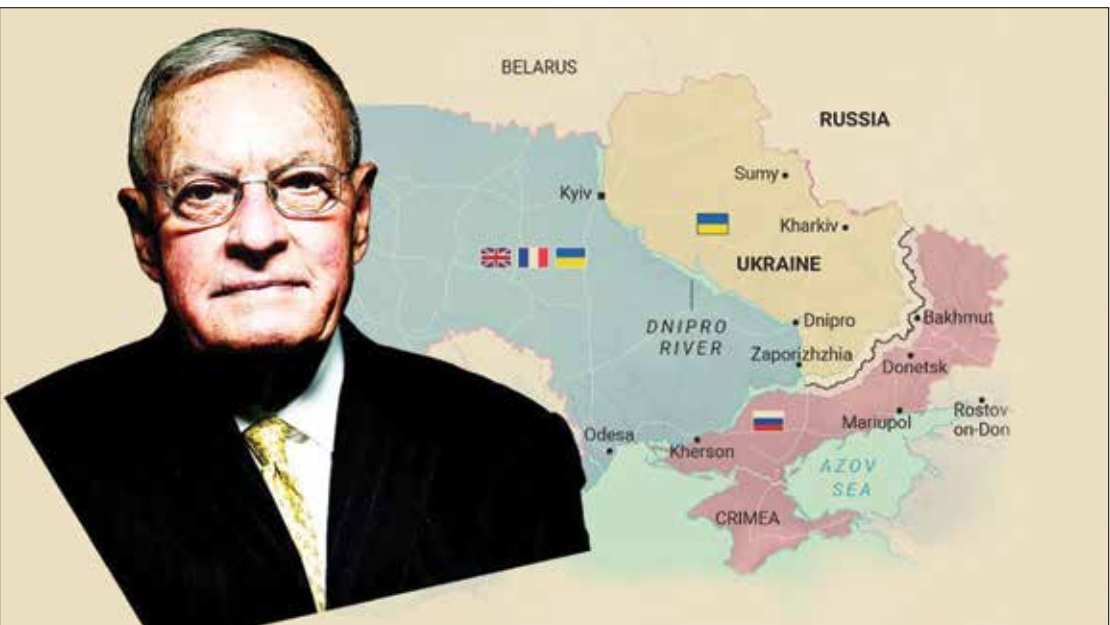
#### پشت پرده پروژه نفوذ اسرائیل در یمن

نقطه آغاز ماجرا به زمانی بازمی‌گردد که رسانه‌های رژیم صهیونیستی، چند ماه پیش از اوچگیری حملات نظامی آمریکا علیه یمن، از فعالیت‌های اطلاعاتی جدیدی در منطقه پرده برداشتند. این گزارش‌ها نشان می‌داد که واحد اطلاعات ارتش اسرائیل (امان)، اقدام به استخدام یهودیانی با ریشه یمنی کرده است که به گویش عربی محلی یمن تسلط دارند. این افراد یا خود متولد یمن بودند یا در خانواده‌هایی پرورش یافته‌اند که سنت و زبان یمنی را حفظ کرده‌اند. هدف اصلی از این اقدام، فراهم کردن زیرساختی برای نفوذ در لایه‌های فرهنگی، زبانی و اجتماعی یمن بود. اسرائیل با تکیه بر تجربه‌های قبلی خود در منطقه، می‌دانست که برای جمع‌آوری اطلاعات دقیق و تأثیرگذار بر افکار عمومی در چنین جوامعی، باید از افرادی بهره برد که بتوانند بدون برانگیختن حساسیت، وارد فضای ذهنی جامعه هدف شوند. در عین حال، رسانه نیز در این پروژه جایگاه ویژه‌ای داشت؛ رسانه به‌مثابه یک ابزار برای جمع‌آوری داده‌های میدانی و شکل‌دهی به روایت‌ها، در مرکز این راهبرد قرار داشت.

#### واکنش یمنی‌ها؛ یک جمله، یک سبر

در مقابل این طرح پیچیده، انصارالله و نیروهای مقاومت یمنی تصمیم گرفتند به جای واکنش‌های سنتی مسیری متفاوت را در پیش بگیرند. «پویش نمی‌دانم» از همین نگاه نشأت گرفت. این

و رفتار وحشیانه او در یک جلسه مهم را، نه یک اتفاق جداگانه، بلکه بخشی از یک طرح گسترده‌تر برای نابودی نهادهای اسرائیل، آن هم با حمایت مستقیم یا ضمنی بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی دانست. اولمرت نوشت: نمایندگان کنست دارای چنین مصونیتی نیستند که به آنها اجازه دهد متجاوزانه یا وحشیانه داخل دیوان رفتار کنند،



مقام آمریکایی: «ازسرگیری مذاکرات درباره یک توافق منابع معدن و تلاش مقامات برای تبدیل این توافق تجاری به یک توافق دیپلماتیک در روزهای آینده در دستورکار قرار دارد.» درواقع می‌توان گفت که ترامپ ضمن تمایل به انعام سریع‌تر جنگ اوکراین به دنبال بهره‌برداری از مزیت‌های اقتصادی این کشور جنگ‌زده برای افزایش قدرت نسبی آمریکا به‌ویژه در بحث عناصر کمیاب در برابر چینی‌هاست؛ در نتیجه اوکراینی‌ها توسط کاخ سفید به فراموشی سپرده شده و به فهرست قربانی‌های آمریکا در زورآزمایی با دیگر قدرت‌ها اضافه می‌شوند.

#### گذشته برخطاره

آمریکا بعد از پیروزی در جنگ سرد با اتحاد جماهیر شوروی تمایل شدیدی برای

#### برش

### پایان عصر لیبرالیسم

همزمان با جدال لیبرال‌ها و تجدیدنظرطلبان اوکراینی، دونالد ترامپ نماینده اقشار ناراضی از نقش ملی آمریکا از دهه ۱۹۹۰ قدرت را در کاخ سفید قبضه کرد؛ او خواهان سیاست خارجی نه مبتنی بر مداخله

بنابراین آشوبی که داخل سالن دیوان افتاد، به بهانه انجام وظیفه پارلمانی قابل توجیه نیست. هدف از این آشوب عامدانه به‌ویژه پس از آن‌که مقامات تهدید کردند که در صورت عدم صدور حکم از سوی دیوان عالی مطابق با خواست کابینه، سرویس اطلاعات شاپاک و قضات را تحریم می‌کنند، اهانت به قوه قضاییه و تضعیف مشروعیت آن در نظر افکار عمومی بود.

# طرح مخفی آمریکا برای اوکراین

### فرستاده ویژه ترامپ در گفت وگو با اصحاب رسانه پرده از نقشه تجزیه اوکراین برداشت

از اواسط دهه ۱۹۹۰ کمک‌های اقتصادی آمریکا کلید خورد که به ایجاد سرمایه‌داری الیگارش‌ی در اوکراین منجر شد؛ چراکه مقامات سیاسی اوکراین دولت فاسدی را حول محور تقسیم غنایم میان حلقه‌های قدرت شکل دادند. حمایت آمریکا از دولت ناکارآمد کی‌یف تحت الشعاع جنبش‌های اعتراضی به سانسور، فساد سیاسی و اقتصادی قرار گرفت و از سال ۲۰۰۴ با امتناع نتیجه انتخابات توسط واشنگتن عملاً اوکراین به میدان رقابت غرب با فدراسیون روسیه تبدیل شد.

#### وجه المصلحه قدرت‌ها

با حمایت آمریکا از انقلاب مخملی اوکراین، این کشور به خط مقدم رقابت سیاسی با مسکو بدل گشت؛ غربی‌ها خود را به مردم اوکراینی به عنوان نماینده گفتمان دموکراسی و اقتصاد آزاد معرفی کردند و در مقابل روس‌ها پایگاه حامیان گفتمان تجدیدنظرطلبی در نظام بین الملل نام گرفت. در همین هنگام، اتحادیه اروپا با پیشنهاد معاهده تجاری در برابر طرح اتحادیه اقتصادی اوراسیا روس‌ها قرا گرفت؛ به عبارت دیگر کی‌یف هروز بیشتر در تنگنای سیاسی غرق می‌شد، با استعماربحران اقتصادی در اوکراین، در سال ۲۰۱۳ رئیس جمهور حامی گفتمان تجدیدنظرطلبی که خواهان تعدیل روابط با غرب بود با تظاهرات حامیان گفتمان غرب سرنگون شد. پارلمان با تشکیل دولتی جدید با ترکیب نزدیک به آمریکا و اروپا به استقبال حوادث رفت که این دولت جدید تحت‌تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی افراطی تدریس روسی که زبان غالب مناطق شرقی کشور بود، حساسیت مسکو را برانگیخت و این سیگنال را به پوتین فرستاد که اوکراین در حال چرخش کامل به غرب است. نخبان آمریکوفیل اوکراینی با سوق دادن بدون توجه به ترکیب قومی و حساسیت‌های ژئوپلیتیکی کشور، خطر جنگ را افزایش دادند که در مرحله اول با انضمام شبه جزیره کریمه و ناحیه دُنباس به وقوع پیوست. حامیان گفتمان غرب با تکیه به کاخ سفید خواهان جدایی کشور از منظموه تمدن اسلاو روس محور بودند.

#### گزارش

است که اعتماد به مردم در شرایط بحرانی، بهترین سرمایه برای حفظ امنیت ملی است. مردم یمن در این فرآیند صرفا دریافت‌کننده پیام نبودند بلکه خود، پیام و پادزهر جنگ اطلاعاتی شدند.

#### جنگ بدون گلوله؛ نمونه‌ای از نبرد ترکیبی

پویش نمی‌دانم را می‌توان نمونه موثقی از دفاع شناختی در دل یک جنگ ترکیبی دانست. این پویش نه تنها به حفظ اطلاعات امنیتی کمک کرد بلکه مشروعیت روایت رسمی را در برابر روایت‌سازی دشمن تقویت نمود. وقتی هیچ اطلاعات ضدوتقیزی از جامعه خارج نشود، روایت دشمن نمی‌تواند بر بستر شکاف‌های خبری سوار شود.

در ساختار جنگ‌های ترکیبی مدرن، روایت‌سازی و دستکاری افکار عمومی نه تنها مکمل عملیات نظامی هستند، بلکه گاه پیش‌زمینه یا حتی جایگزین آن محسوب می‌شوند. در این میان، کنترل روایت‌ها به اندازه کنترل سرزمین اهمیت پیدا می‌کند. یمنی‌ها نشان دادند که چگونه می‌توان بدون درگیری مستقیم با رسانه‌های جهانی، خط نفوذ روایت را در مرزهای ذهنی جامعه متوقف کرد.

#### وقتی سکوت، بلندترین فریاد است

پویش نمی‌دانم بیش از آن‌که یک راهبرد موقت برای مقابله با عملیات اطلاعاتی باشد، یک الگوی پایدار از چگونگی مواجهه با تهدیدات شناختی در عصر ارتباطات است. الگویی که بر پایه مشارکت مردمی، سواد رسانه‌ای و اعتماد متقابل بنا شده است. این تجربه نشان داد که حتی در یکی از پرتنش‌ترین نقاط جغرافیای خاورمیانه، می‌توان از دل بحران، الگویی برای اقتدار نرم بیرون کشید. رژیم صهیونیستی که در طول دهه‌های گذشته توانسته با ابزار رسانه‌ای و اطلاعاتی خود، بخش بزرگی از منطقه را تحت فشار روانی قرار دهد، حالا در برابر یک سدمردمی و رسانه‌ای قرار گرفته که به‌سادگی قابل عبور نیست. این بار دشمن نه با موشک بلکه با جمله‌ای ساده متوقف شده؛ «نمی‌دانم».



پویش مردم را دعوت می‌کرد تا در پاسخ به هرگونه سؤال یا کنجکاوی در مورد جزئیات عملیات نظامی، شمار شهدا، محل حملات یا وضعیت دفاعی کشور، تنها یک جمله بگویند: «نمی‌دانم». در نگاه نخست، این پاسخ شاید نوعی انکار یا طفره رفتن به نظر برسد اما درواقع، این یک استراتژی دقیق برای خنثی سازی عملیات‌های اطلاعاتی بود. پرسش‌هایی که توسط خبرنگاران خارجی، فعالان مجازی مشکوک یا عوامل نفوذی مطرح می‌شد، دیگر نمی‌توانست به دستاورد قابل تحلیلی برای تیم‌های اطلاعاتی تبدیل شود. به عبارتی، پویش نمی‌دانم یک دیوار امنیتی نرم بود که بدون ایجاد تنش یا محدودیت، جریان اطلاعات را به کنترل مردم درآورد.

#### رسانه علیه رسانه

نکته قابل تأمل این است که انصارالله برای مقابله با نفوذ رسانه‌ای اسرائیل، خود رسانه را به میدان آورد. برخلاف آنچه رژیم صهیونیستی انتظار داشت، رسانه به ابزاری برای مقابله با پروژه آنها بدل شد. طراحی پویش «نمی‌دانم»، در بسترهای